

## جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ سیاسی تشیع

### با تاکید بر نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی

زاهد غفاری هاشجین\*

مریم دژگیر\*\*

#### چکیده

فرهنگ ایثار و شهادت در اسلام از جلوه و منزلت ممتازی برخوردار است. این فرهنگ در عرصه های مختلف دارای جایگاه، آثار و نتایج گسترده ای در مکتب حماسی تشیع است. حماسه کربلا و نهضت عاشورا عرصه جاودانه ترین و موثرترین شهادت طلبی ها در طول تاریخ و اوج تجلی فرهنگ ایثار و شهادت به شمار می رود. بر این اساس این فرهنگ ضامن بقای اسلام و بال سرخ عاشورایی تشیع و الگوی مبارزه علیه ظلم، ستم و فساد برای تمامی جهانیان است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) نیز با الگوگیری از مولفه ها، نمادها و اسطوره های این حرکت عظیم آغاز شد و رشد کرد و به پیروزی رسید. فرهنگ ایثار و شهادت نقش به سزایی در دوران حماسه و مقاومت هشت سال دفاع مقدس ایفا کرد و صحنه ها و خاطرات تاریخ ساز و بی بدیلی را به بار آورد. امروزه نیز با اتکا به چنین روحیه ای است که نسل پرورش یافته بر اساس فرهنگ ایثار و شهادت می توانند با رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی موانع رشد و توسعه مملکت را از پیش رو برداشته و بر توطئه های گوناگون دشمنان پیروز شوند. بر این اساس هدف این مقاله در پی شناخت جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ سیاسی تشیع با تاکید بر نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی است. روش مورد استفاده در این مقاله تحلیل اسنادی بوده و سعی شده است با مراجعه به منابع و مراجع مرتبط، ضمن بیان کلیاتی در خصوص فرهنگ ایثار و شهادت، این فرهنگ از نگاه تشیع مورد بررسی قرار گیرد و همچنین به جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ سیاسی تشیع و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می گردد. یافته ها نشان می دهد که فرهنگ ایثار و شهادت یکی از مولفه های اساسی فرهنگ سیاسی تشیع بوده و امام خمینی (ره) در رهبری انقلاب اسلامی با اتکا به این فرهنگ توانست ملت ستم دیده و تحت سلطه ایران را از جور طاغوت و یوغ استعمار نجات داده و با توسل به آثار معجزه آسای آن به پیروزی نایل شود.

واژگان کلیدی: فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگ سیاسی تشیع، انقلاب اسلامی ایران، عاشورا، امام خمینی (ره)

×استادیار علوم سیاسی و جامعه شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد [z\\_ghafari@yahoo.com](mailto:z_ghafari@yahoo.com)

×دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

## مقدمه

یکی از پشتوانه‌ها و ذخایر غنی فرهنگ جامعه ما فرهنگ ایثار و شهادت است که از نسیم روح بخش اسلام در جامعه جاری شده است. منظور از فرهنگ ایثار و شهادت مجموعه نظام ارزش‌ها، باورها و الگوهای هنجاری هدایتگر به مجموعه نقش‌ها، رفتارها و روابط اجتماعی برخاسته از جهان بینی اسلامی، فرهنگ عاشورای حسینی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و جامعه ایثارگران است. این فرهنگ در نظام اسلامی، از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب تشیع به شمار می‌رود و از وجود همین فرهنگ بوده و هست که تاکنون حقایق اسلام همچنان پا برجا و زنده باقی مانده است. از صدر اسلام تاکنون تاریخ شیعه شاهد ایثارگری و شهادت طلبی مردان بزرگ الهی همچون پیامبر بزرگوار اسلام (ص)، ائمه اطهار (ع) و یاران و رهروان آنها بوده است. این امر حاکی از آن است که اسلام مکتبی است که حرکت، جنبش، تلاش، جهاد و ایثار را برای تحقق بخشیدن به حاکمیت قوانین الهی می‌طلبد؛ چنانکه در طول تاریخ اسلام تحقق عینی این حرکت و تلاش به شکل‌های گوناگون که برخاسته از طبیعت این مکتب است، به ثبوت رسیده است (غفاری، خاکزاد، ۱۳۸۷: ۳۸۳).

موضوع کربلا و مظلومیت امام و اهل بیتش در طول تاریخ برای تشیع به یک رمز و شعار و هویت انقلابی تبدیل شده و پیروان اهل بیت (ع) در هر زمان و عصری برای حفظ این رمز و شعار از جان نیز گذشته و حراست و حرمت آن را به معنی پاسداری از موجودیت و شرف و مذهب خود دانسته‌اند. صحنه‌های با شکوه ایثار و شهادت در تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی کم نیستند و ما تکرار واقعه کربلا را در تاریخ خونبار تشیع بارها دیده و آثار پر بار آن را لمس کرده‌ایم. ذخایر ارزشمندی که شهدا و ایثارگران گرانقدر ایران اسلامی در طی دوران ستم شاهی برای ملت بزرگ ایران و نسل‌های آینده به ارمغان آورده‌اند، چشمه جوشان و فیاضی است که اگر به همان زیبایی و خلوص، اشاعه و انتقال داده شود، حیات معنوی جامعه را برای همیشه به خیر و رستگاری مرهون می‌سازد (همان). بدین منظور مقاله‌ی حاضر در صدد بررسی این دو سوال است که فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ سیاسی تشیع چه جایگاهی دارد؟ و هم‌چنین نقش فرهنگ ایثار و شهادت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران چیست؟

## الف- جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ سیاسی تشیع

### ۱- عناصر و مولفه‌های فرهنگ سیاسی تشیع

#### ۱-۱- عنصر عدالت خواهی

در تعریف عدالت معانی و شقوق مختلفی ارائه شده است، اما آنچه که در حد لزوم به آن می‌پردازیم مفهوم سیاسی اجتماعی عدل است. عدل به این معنا در مقابل ظلم قرار می‌گیرد. بدین ترتیب «عدل عبارت از رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را و ظلم عبارت است از پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند همین

معنی است.» (مطهری، ۱۳۷۱: ۸۷). اهمیت عدل به قدری بود که مسلمانان به طور اعم و شیعه به طور اخص احراز عدالت را برای تصدی مسئولیتهای اجتماعی مانند حکومت، امامت جمعه و جماعت و قضاوت، لازم شمرده اند. تعالیم و آموزشهای امامان معصوم شیعه به ویژه تجربه کوتاه اما به یادماندنی دوران خلافت ظاهری امیر مومنان علی (ع) و اندیشه ها و رفتارهای عدالت خواهانه آن حضرت عاملی در ریشه دوانیدن خصیصه عدالت خواهی در میان شیعه بود. نکته مهم دیگر اینکه شیعه بر مبنای تفسیری که از اصل امامت و جانشینی پیامبران داشت، امامان معصوم را بارزترین مصداقهای عدالت و ظلم ستیزی به شمار می آورد (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۷۲).

علی الوردی در کتاب وعاظ السلاطین در این مورد چنین توضیح می دهد: «اعتقادات مسلمین اثنی عشری به گونه ای بود که آنها را از انتقاد از حکام و معارضه با آنان در هیچ مرحله ای از مراحل تاریخ طولانی اش باز نمی داشت. آنها معتقد بودند که هر حکومتی ظالم و غاصب و فاقد مشروعیت است مگر آنکه قدرتش در دست امامی عادل و یا معصوم از فرزندان علی بن ابیطالب (ع) باشد. بر این اساس شیعیان به منزله انقلاب مستمری بودند که آرام نمی گرفتند و از مقابله باز نمی ایستادند و هر حاکمی را با ضوابط امامت معصوم، آنچنانکه خودشان معتقد بودند، مقایسه می کردند و لذا او را ناقص و غاصب می دیدند. این اعتقاد از همان نخستین دورانهای اسلام تا حال حاضر، به رشد و تعمیق خصومت بین آنان و قدرت بدستان انجامید (مسجد جامعی، ۱۳۶۹: ۲۴۹). به این ترتیب پذیرش عدالت و ایمان داشتن به آن به عنوان یک اصل بنیادی در فرهنگ شیعه، روانشناسی دینی و نیز تلقی دینی خاص و نگرش سیاسی ویژه ای را به همراه آورد. خود انگیزگی، تحریک پذیری، میل به فداکاری و آرمانخواهی شیعیان، مرهون همین نکته است.

#### ۱-۲- عنصر امامت و رهبری

از نظر شیعه همان استدلال و شرایطی که مبنا و فلسفه فرستادن پیامبران می باشد، ایجاب کننده نظریه امامت نیز هست. عدل و لطف الهی در حق بندگان ایجاب می کند که مساله امامت را بلا تکلیف نگذارد. همان ملاحظات عقلانی که فرستادن پیامبران و انبیا را ایجاب کرده بود، در غیاب آنها، تعیین رهبران معصومی برای سرپرستی یا ولایت پیروانش را ایجاب می کند. علاوه بر این، نتیجه قهری قبول تعالیم حضرت محمد (ص)، همانا تعهد در جامعه عمل پوشاندن به آنهاست. تنها علم صحیح و سالم به معانی حقیقی قرآن و احادیث نبوی می توانست جامعه جوان اسلامی را در این جهت پیش برد. این علم در اختیار کسانی بود که از خواص و نزدیکان پیامبر بودند، علی الخصوص علی (ع) و از طریق او در اختیار یازده فرزند یا اعتقاد ذکورش قرار داشت (عنایت، ۱۳۶۲: ۲۱). طبق نظریه امامت، همچنان که در طول حیات رسول الله هر دو اقتدار سیاسی و دینی در وجود شخص پیامبر اکرم (ص) جمع آمده بود، امامان جانشین او نیز وارثان حقیقی هر دو اقتدارند، اگر چه این حق به علت شرایط نامساعد تاریخی جز برای امام اول آن هم به شکل ناقص محقق نگردید. شیعه به واسطه اعتقاد به مشروعیت انحصاری امام معصوم تا قبل از غیبت، تمامی قدرتهای حاکم را صراحتاً نا مشروع می دانست (هنری لطیف پور، ۱۳۷۹: ۷۴).

### ۱-۳- عنصر اجتهاد و نخبه گرایی

یکی از اصول و عناصر اساسی در مذهب شیعه که اثرات زیادی بر فرهنگ سیاسی شیعیان و نگرش و رفتار آنان نسبت به قدرت سیاسی داشته است، عنصر اجتهاد است. در تعریف اصطلاحی اجتهاد که معنای لغوی آن تلاش و کوشش است. گفته شده: «استفراغ الوسع فی طلب الحکم الشرعی». بکار بردن منتهای کوشش در استنباط حکم شرعی از روی ادله شرعیه معتبر است (مطهری، بی تا: ۴۱). در فرهنگ اسلامی، ضرورت و وجوب علم به شریعت در همه امور اجتهادی و تعبدی موجب شده است که افراد جامعه به ضرورت به دو گروه مجتهد و مقلد تقسیم و تفکیک شوند. البته این تفکیک مطلقاً به این معنا نیست که اکثریت جامعه، مقلد تعداد اندک مجتهدین باشند؛ چه بسا ممکن است که به دلیل گسترش تعلیمات مذهبی و عمومی، اکثریت جامعه ملاکهای معروف و منکر را بدانند و اصول و حدود و وظایف دینی و اجتماعی را تشخیص دهند. در هر حال به لحاظ ضرورت علم به شریعت و تفقه در دین از یک سو و گسترش سایه دین به همه حوزه های زندگی فردی و اجتماعی از سوی دیگر، منطق عمل سیاسی در فرهنگ اسلامی به ویژه در فرهنگ شیعی منطقی نخبه گرایی است (فیرحی، ۱۳۷۵: ۳۶۵).

حمید عنایت در ریشه یابی مفهوم انقلاب در تفکر سیاسی اسلام شیعی و سنی بر این عقیده است که در تفسیر قدیمی تفکر سیاسی اسلام شیعی یا سنی، فرضیه انقلاب وجود ندارد، بارزترین مشخصه این تفسیر، اجازه قیام علیه حاکمان ظالم است و این در عمل ارزش کمی دارد. عنایت علت فقدان فرضیه و نظریه انقلاب در میان شیعه و سنی را ماهیت نخبه گرایی آنها می داند. به بیان دیگر، جایگاه علما و مجتهدان به ویژه در میان شیعه به آنان این امکان و موقعیت را می دهد که تنها مرجع تشخیص ظالم بودن و یا عادل بودن حاکم باشند. (عنایت، ۱۳۷۴: ۸). بدین ترتیب علما و نخبگان علمی و دینی کسانی هستند که می توانند بر حقوق مستبدترین رژیمها صحه گذارند و یا مشروعیت آنان را مورد سوال و تردید قرار دهند. بر این اساس نظارت و مشارکت توده های مردم در اشکال مختلف آن، خواه مسالمت آمیز و خواه انقلابی، تابعی از حضور بیگانگان است. لذا اعتقاد توده های شیعی به ضرورت شرعی بودن کنش از یک سو و انحصار صدور جواز مشروعیت افعال و رفتارها در قالب فتوا یا احکام یا اقدام عملی در دست فقهای شیعه، مانع تحرک مستقل توده های مردم در رفتارهای سیاسی شان شده، هر چند در مقاطعی نیز عامل بسیج توده ای و گسترده مردم و مشارکت آنان در امور سیاسی بوده است (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۷۷).

### ۱-۴- عنصر ظلم ستیزی

شاید بتوان بزرگترین وظیفه امام و امامت را در فرهنگ اسلامی مبارزه با ظلم و بیداد دانست. شناخت استعدادهای بشریت و هدایت آن در مسیر رشد و سعادت جاوید، وظیفه رهبری الهی است. راکد گذاشتن نیروها و محو و تزییع استعدادها از مصادیق ظلم و به کارگیری آن در جهت زیان بشریت، بزرگترین ظلم است. امیر المومنین علی (ع) به عنوان نخستین امام در دو جهت الگو و اسوه امت اسلام و جهان بشریت است: ۱- علی (ع) به عنوان انسان کامل و الگوی بشریت، الگوی جهاد اکبر و مبارزه با عوامل درونی ظلم است. ۲- علی (ع) در جایگاه رهبری و امامت اسوه جهاد با

ستمگران صحنه جامعه است. شاخص ترین ویژگی مولا در هر دو زمینه مبارزه با ظلم و بیدادگری است. امیرالمومنین علی (ع) فلسفه حکومت و قدرت را دفاع از مظلوم می داند و امر به معروف و نهی از منکر و هجرت و جهاد را گام هایی در این مسیر می شمارد (مهدی پور، ۱۳۹۰: ۴). در نامه امیرالمومنین به مالک اشتر عبارتی کوتاه وجود دارد که درس ظلم ستیزی به مالک اشتر می دهد؛ حضرت در این نامه می فرماید: «ومن ظلم عبدا لله كان الله خصمه دون عباده؛ هر کس بر بندگان خدا ظلم کند خداوند مدعی و شاکی اوست نه بندگان او.» (جعفری، ۱۳۶۷: ۴۲۶). ظلم ستیزی ابعاد و انواع متفاوتی دارد که مبارزه با يك یا چند نوع آن برای اصلاح فرد و جامعه کافی نیست و باید با تمام انواع ظلم، در تمام حوزه ها فردی و اجتماعی و در تمام دوران زندگی، جهاد تداوم یابد. در فرهنگ علوی ظلم از ناحیه هر کس و بر هر کس و در هر کجا، محکوم و مذموم است و باید با آن مقابله شود. ولی مهم ترین عامل ظلم و بزرگترین خطر آن است که انسان خود، آگاهانه یا ناآگاهانه بر دیگران ظلم کند (مهدی پور، ۱۳۹۰: ۴).

#### ۱-۵- عنصر امر به معروف و نهی از منکر

یکی از واجبات و ضروریات دین اسلام و نیز یکی از اصول بنیادین نظریه سیاسی اسلام که جایگاه مهمی در فرهنگ سیاسی اسلام و شیعه دارد، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. از نظر همه فرق اسلامی، اصل مزبور بر همگان واجب می باشد. مبنای اصل فوق، تعالیم قرآن کریم است که با صراحت از مومنین خواسته است که نسبت به اقامه امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند. و نیز عمل به این واجب الهی را از صفات و ویژگی های بارز مومنین تلقی کرده است. ترک و واگذاشتن این وظیفه عمومی، موجب سلطه یافتن اشرار و تبهکاران خواهد بود. امام حسین (ع) نیز در وصیتنامه تاریخی خود به محمد بن حنفیه، هدف از قیام جاودانه خویش را امر به معروف و نهی از منکر اعلام می کند. مشابه بیان های مذکور، در روایات رسیده از دیگر ائمه شیعه (علیهم السلام)، که جملگی بر اهمیت و ضرورت حیاتی این اصل دلالت دارد، فراوان است. بررسی مضمون این روایات نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر از عناصر اساسی فرهنگ سیاسی شیعه است که در چارچوب آن، مشارکت سیاسی در امر حکومت و نظارت همگانی بر هیات حاکمه تحقق می یابد و سلامت جامعه در ابعاد مختلف تضمین می گردد و در سایه این مشارکت و نظارت همگانی همه فرایض دینی اقامه می شود و عمل به آن ضامن بقا و استمرار حکومت و نظام اسلامی صالح و عادل خواهد بود (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۸۲).

#### ۱-۶- عنصر جهاد

یکی دیگر از فروع دین اسلام، که از عناصر مهم فرهنگ سیاسی شیعه محسوب می شود، جهاد است. جهاد، يك مبنای قوی اعتقادی برای تهییج روح انقلابی گری در شیعیان بوده است. در اسلام، جهاد یکی از واجبات است و برای آن ثواب و اجر فراوانی در نظر گرفته شده است، به گونه ای که یکی از درهای بهشت مخصوص مجاهدان است. بر اساس اعتقادات اسلامی، کسی که از جهاد فرار کرده یا از آن خودداری کند، بدترین مجازات ها به او وعده داده شده است شیعیان بر اساس همین تأکیدات قرآن و روایات، در میدان های مبارزه با ظلم و ستم بر یکدیگر سبقت می گرفتند. از این رو، تاریخ پر فراز و نشیب شیعه، با جهاد و مبارزه در راه حق و عدالت عجین شده و مملو از نمونه های عالی جانبازی و فداکاری در راه از میان

بردن ظلم و بی عدالتی است. همین زمینه اعتقادی و ایمانی و سابقه و سرنوشت تاریخی، بستر مناسبی را برای تقویت روح مبارزه و انقلابیگری در میان شیعه فراهم ساخت (ابوطالبی، ۱۳۹۰).

#### ۱-۷- عنصر تولی و تبری

از نظر شیعه، تولی و تبری به معنای دوستی با دوستان خدا و ارتباط و پیوند با اهل حق و دشمنی با دشمنان خدا و گسستگی از اهل باطل، از فروع دین اسلام است. این دو عنصر عاطفی همواره در طول تاریخ، شیعه را در موضع گیری اعتقادی و سیاسی یاری داده است. اولیا و پیشوایان مذهبی شیعه در طول تاریخ تلاش خود را صرف تعمیق این عواطف سازنده نموده اند. از آنجا که شیعه بر اساس این تعلیمات روشن و جامع، ولایت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) را پذیرفت، همه ولایت‌ها و اطاعت‌ها را نفی کرد. این نفی و اثبات جریانی است درونی و بیرونی؛ درونی به معنای کوشش برای کسب آمادگی‌های روحی و معنوی به عنوان پشتوانه ای برای جریان بیرونی است که در واقع جهاد عملی و پی گیر در عینیت بخشیدن به ولایت ائمه (ع) به شمار می رود. دوست داشتن و دشمن داشتن، یعنی اثبات ولایت اولیای دین و نفی هر ولایتی که معارض با آن هاست. به تعبیر استاد مطهری «تاریخ شیعه با نام يك سلسله از شیفتگان و شیدایان و جانبازان سر از پا نشناخته توأم گذشته است.» (مطهری، بی تا: ۳۵). همین شیفتگی و شیدایی و سرسپردگی به ولایت معصومان(ع) به عنوان نیروی بالقوه بسیاری از حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی و ضدستم عمل کرده است (ابوطالبی، ۱۳۹۰).

#### ۱-۸- عنصر شهادت

مفهوم دیگری که دارای ارزش فوق العاده ای در فرهنگ شیعه می باشد و با سرنوشت تاریخی آن پیوند یافته است، ارزش شهادت و به تعبیری مرگ در راه هدف مقدس و الهی است. اگر چه مفهوم ایثار و شهادت ارزش مشترکی برای همه مسلمانان به حساب می آید، اما این ارزش مشترک در تشیع اهمیت و منزلت خاصی کسب کرده است. این عنصر یکی از بهترین و حیات بخش ترین سرمایه هایی است که در تاریخ تشیع وجود دارد. شهادت در فرهنگ اسلامی و قرآنی ارزشی بلند و بی بدیل دارد. این ارج و اعتبار در فرهنگ شیعه، زمانی جایگاه ویژه ای به خود گرفت که با واقعه تاریخی عاشورا و شهادت جانگداز امام حسین (ع)، سومین پیشوای معصوم شیعه، پیوند یافت و از آن پس هرگونه یاد کرد و بزرگداشت خاطره شهادت امام حسین (ع) نوعی یادآوری و تعظیم عنصر و ارزش شهادت نیز به شمار آمد. از این رو ارزش و مفهوم شهادت تاثیری پایدار بر فرهنگ سیاسی شیعه در سیر تاریخی آن نهاده است. چنانکه دکتر عنایت می نویسد: «عنصر شهادت جاذبه ای نیرومند برای همه نهضت های شیعی داشته است که نظام حاکم را به مبارزه طلبیده اند. همه نهضت های انقلابی که دارای صبغه و وجهه مذهبی بوده اند از این عنصر ارزشمند در جهت پیگیری هدفهای خود الهام گرفته اند (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۷۸).

## ۲- مفهوم و شاخصه های فرهنگ ایثار و شهادت

### ۱-۲- بررسی مفهوم و تعریف فرهنگ ایثار و شهادت

#### ۱-۱-۲- مفهوم فرهنگ

امام خمینی (ره) معتقدند که والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت آن جامعه را تشکیل می دهد (صحیفه نور، ۱۳۷۰). اندیشمندان تعاریف متفاوتی از فرهنگ ارائه می نمایند. لکن مفهوم رایجی که امروزه از واژه فرهنگ برداشت می شود، فرهنگ به معنای (culture) می باشد. کروبر و کلاکن با مرور بالغ بر صد و شصت و چهار تعریف از فرهنگ، بیان می دارند که فرهنگ مجموعه ای پیچیده از علوم، دانش ها، هنرها، افکار، اعتقادات، آداب، سنن و قوانین اجتماعی و مقررات هستند که بر جامعه حاکم است و مورد پذیرش اعضای آن می باشد. بنابراین فرهنگ عبارت است از مجموعه ویژگی های معنوی، فکری و احساسی متمایزی که مختص يك جامعه یا گروه اجتماعی است (قهرمانی، ۱۳۸۸: ۳۱). در کنفرانس جهانی درباره سیاست ها فرهنگی (مکزیکو، ۱۹۸۲) بر سر تعریف زیر از فرهنگ توافق شد. «در کلی ترین مفهوم، فرهنگ را می توان کل پیچیده ای از خصیصه ها متمایز روحانی، مادی، فکری و عاطفی دانست که ویژگی های يك جامعه یا گروه اجتماعی به شمار می آیند و نه تنها هنر و ادبیات، بلکه شیوه های زندگی، حقوق اساسی انسان ها، نظام های ارزشی و سنت ها و باورها را در بر می گیرند» (اجلالی، ۱۳۷۹: ۱۸).

#### ۲-۱-۲- مفهوم فرهنگ سیاسی

واژه فرهنگ سیاسی معادل عبارت **political culture** در انگلیسی و الثقافة السیاسیه در عربی است. فرهنگ سیاسی به عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی به مجموعه ای از احساسات، ارزش ها، عواطف، رفتارها و اخلاقیات که شکل دهنده علل سیاسی و رفتار اجتماعی یکایک افراد جامعه در زندگی سیاسی است اطلاق می گردد. (دلاور، ۱۳۸۹: ۱). از نظر آلوند هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش ها، احساسات، اطلاعات و مهارت های سیاسی است. در تعریف دیگری در مورد فرهنگ سیاسی گفته اند: فرهنگ سیاسی عبارت است از جنبه های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه که به زندگی سیاسی نظر دارد و به مسائلی چون چگونه حکومت کردن و چگونگی حکومت می پردازد. سیدنی وربا در تعریف فرهنگ سیاسی می گوید: «فرهنگ سیاسی عبارت است از نظام باورهای تجربه پذیر، نهادها و ارزش هایی که پایه و مبنای کنش سیاسی است» (قوام، ۱۳۷۳: ۷۳).

#### ۳-۱-۲- مفهوم فرهنگ سیاسی تشیع

با توجه به تعریف فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی شیعه عبارت است از مجموعه ای پیوسته از نظام اعتقادی، ارزش ها و نادهای مذهب تشیع که از منابع شیعی به دست می آید و مبنای کنش و واکنش های شیعیان در برابر نظام های سیاسی و حکومت ها بوده است. فرهنگ سیاسی شیعه نوع نگرش و طرز برخورد شیعه امامیه با سیاست و قدرت سیاسی است که

تحت تاثیر مبادی نظری و عقاید و باورها و سنت های شیعه، در متن تاریخ و حیات جمعی شیعیان شکل گرفته و تعیین کننده الگوهای کنش و رفتار سیاسی آنان در پذیرش یا نفی حکومت ها می باشد (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۲۷).

#### ۲-۱-۴- مفهوم ایثار

ایثار در لغت نامه دهخدا به معنای غرض دیگران را بر خود مقدم داشتن، برگزیدن و منفعت غیر را بر خود مقدم داشتن به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۵۲: ۵۴۳). واژه ایثار در فرهنگ عمید به معنای بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را بر سود خود مقدم داشتن و خود را برای آسایش دیگران به رنج افکندن معنا شده است (عمید، ۱۳۸۳: ۸۲). بعضی از معانی ایثار، در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران، در مسائل دنیوی صدق می کند، ولی آنچه در حیطه امور دینی و اعتقادی و دفاع از ارزش ها مطرح است، چیزی بیش از اینهاست و در این مجال، مفاهیمی نظیر گذشت از جان، مال، مقام، شخصیت، آبرو و نظایر آن برای هدفی مقدس را شامل می شود؛ بدین معنا که يك انسان با اعتقاد، در راه اعتلای اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی و دفاع از ارزش های مقدس و برافراشتن پرچم توحید، با تمام امکانات مادی و معنوی خود تلاش کرده، حتی از بذل جان و مال خویش در راه حفظ و حراست از هدف مقدس و متکامل خود، دریغ نورزد (فهیمی، ۱۳۸۷: ۵۴۲).

#### ۲-۱-۵- مفهوم شهادت

واژه شهادت در زبان عربی از ریشه لغوی شهد است. در فرهنگ منجد الطلاب، شهد با معانی ذیل آمده است: حاضر شدن در مجلس، چیزی را دیدن، آگاهی یافتن از چیزی، درك کردن چیزی، به نفع یا ضرر کسی در نزد حاکم گواهی دادن و سوگند خوردن به چیزی (بستانی، ۱۳۷۲: ۲۹۲). راغب اصفهانی نیز در المفردات فی غریب القرآن، ذیل واژه شهود و الشهاده چنین آورده است: «حاضر بودن و گواه بودن یا با مشاهده چشم و یا با اندیشه و بصیرت». علامه طباطبایی نیز معتقد است که شهادت مصداق پیروی حق و به خاطر اظهار حق و برای زنده کردن حق است (محمودی، ۱۳۸۷: ۶۸۴). شهید یعنی اینکه هیچ چیز از او مخفی نیست و شهید به معنای علیم است، چرا که خداوند فرمود: شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه ... (حلی، ۱۴۰۷ ه.ق: ۳۳۶).

علامه جعفری، شهادت را چنین تعریف کرده است: شهادت عبارت است از پایان دادن به فروغ درخشان حیات در کمال هوشیاری و آزادی و آشنایی با ماهیت حیات که از دیدگاه معمولی عقل و خرد در متن طبیعت، مطلوب است، در راه وصول به هدفی که والاتر از حیات طبیعی است؛ شهادت یعنی پایان دادن به حیات طبیعی برای دفاع از ارزش ها و حیات انسانی افراد جامعه؛ شهادت تعیین ملاک و میزان و الگو برای زندگی در این دنیا و بیان اینکه زندگان بدون آن ملاک و میزان و الگو نمی توانند خود را دارای حیات واقعی تلقی کنند (محمودی، ۱۳۸۷: ۶۸۴). دکتر شریعتی معتقد است که شهادت عبارت است از: «فدا کردن همه وجود خویش بطور یکجا در راه يك ایده آل مقدس که سرچشمه تقدس باشد و همه آن را مقدس بدانند» (شریعتی، ۱۳۶۱: ۲۱۵).



## ۲-۱-۶- فرهنگ ایثار و شهادت

براساس تعریفی که از فرهنگ، ایثار و شهادت ارائه شده است فرهنگ ایثار و شهادت را می توان به صورت زیر تعریف کرد: « مجموعه روشهای ایثار و شهادت که به وسیله انسانها به ویژه ایثارگران و شهدا به وجود آمده اند و چگونگی اندیشیدن، عمل کردن و احساس کردن آنها را در زمینه مذهب، قانون، زبان، هنر و آداب و رسوم و در زمینه چیزهایی نظیر سبک معماری، معابر عمومی، اماکن عمومی، خانه ها، لباسها و وسایل را شامل می شود». کمیته فرهنگی معاونت پژوهش و تبلیغات بنیاد شهید اسلامی نیز فرهنگ ایثار و شهادت را چنین تعریف کرده است: «مجموعه باورها، آگاهی ها، آداب و اعتقادات و اعمالی که موجب وصول انسان به عالی ترین درجه کمال، یعنی مرگ آگاهانه در راه خدا می گردد و نیز هر گونه آثار باقی مانده از شهدا درباره شهادت و شهید و نیز سیره و روش پیام شهیدان و بالاخره تربت پاک و مقدس آنان بخشی از فرهنگ ایثار و شهادت است» (بابازاده، ۱۳۷۹: ۱).

## ۲-۲- شاخصه های فرهنگ ایثار و شهادت

### ۲-۲-۱- شاخصه ی انسانی بودن

بین ایثار و شهادت ارتباطی وثیق و تنگاتنگ وجود دارد، عالی ترین مرتبه ایثار انتخاب آگاهانه و آزادانه راه حق و حقیقت و فدا کردن خالصانه جان، قبول شهادت، در مسیر احیا و حفظ اعتقادات، ارزشها و اصول دین است و از سویی نیز شهادت در راه خدا محقق نمی شود، مگر اینکه انسان با شناخت و بصیرت دینی و از خودگذشتگی پاک و خالص خویش، فداکاری در راه دین خدا را بپذیرد. ایثار و شهادت پیش از آنکه به عنوان آموزه های دینی و آسمانی باشند، در فطرت و عقل انسانی ریشه دارند. انسان از آنجایی که بر اساس فطرت پاک انسانی اش تمایل به جاودانگی و بقا دارد، دائما در تکاپوی دستیابی به سعادت واقعی و شناخت راه های ماندگار ابدی است و اگر حقیقتا به راهی که وی را به این سرانجام برساند، شناخت یابد برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد و هر هزینه ای را می پذیرد، حتی اگر به قیمت اهدای جانش تمام شود (فهیمی، ۱۳۸۷: ۵۵۲).

از طرفی نیز، عقل انسانی با توجه به روح محاسبه گری و کسب منفعت احتمالی و یا به دفع ضرر محتمل، عبور از دهها خواسته و منفعت پایین تر، به دست آوردن منفعت عالی تر را حداقل در امور مادی، تجربی و دنیوی امری منطقی می داند؛ حتی در این مسیر، ریسک و خطر را به عنوان یک حقیقت پذیرفته است. اما در امور معنوی و آسمانی، کلید مفقوده برای انسان، ایمان به مبدا و معاد و شناخت حقیقی فلسفه آفرینش است؛ که اگر حاصل شود، روحیه ایثار و از خودگذشتگی و شهادت طلبی و جاودانگی انسان از درونش بروز و ظهور خواهد کرد و انسان گمشده در عالم هستی به حقیقت واقعی و ابدی خود، که همانا استقرار و آرامش در نزد خدای متعال و کسب حیات ابدی و بهره مندی از نعمتهای اوست، دست خواهد یافت. از طرفی نیز تجسم عالی ترین روحیه های انسانی نظیر؛ عدالت خواهی، عزت طلبی، کرامت جویی، محبت به خدا و خدمت به خلق، شکر گزاری، عبادت و بندگی خدا و مقابله با ظلم و ... را می توان در انسان هایی به آشکارا یافت که از

طریق ایمان و اعتقاد به مبدا و معاد، روحیه ایثارگری و جوهره شهادت طلبی را در خویش یافته، وجودشان را برای رسیدن به این حلاوت ابدی خرج و هزینه می کنند. (همان)

#### ۲-۲-۲- شاخصه ی دین محوری

از دیگر شاخصه های ایثار و شهادت، دین محوری است و آن از یک سو عبارت از آزاد و رها بودن از همه قیود و تعلقات زمینی و مادی و ترک بند و اطاعت طواغیت و از سوی دیگر، عشق و دلبستگی شدید به خالق هستی بخش و به همه آموزه ها و تعالیم الهی و آسمانی است (النحل، آیه ۳۶). آنهایی که در پرتو دین مداری و عمل به احکام الهی و در راه صیانت از اعتقاد و ارزشهای والای دین، حاضرند از همه چیز خود، از مال و جان و ناموس و از همه دارایی شان، خالصانه بگذرند، هم اینان به امر الهی و در سایه دین محوری، در برابر ظلم و ستم طاغوت ها می ایستند و از حق خود حتی به قدر یک وجب از خاک میهن اسلامی و خون به ناحق ریخته مسلمانی نمی گذرند و جانفشانی و ایثارگری در این راه را نیز فوز عظیم می دانند. رفتار و گفتار و منش ایثارگران و شهادت طلبان سراسر عبودیت و بندگی خداوند و عمل به دستورات و تعالیم نورانی دین است. آنهایی که ایثارگری را معامله با خدا و شهادت طلبی را پرواز بر بال ملائک و فرصت دیدار معبود خویش می دانند، به راحتی سخت ترین شرایط را در راه هدف مقدس و الهی شان می پذیرند و البته جهادگران میدان ایثار و شهادت از تایید و هدایت خاص الهی نیز برخوردارند (عنکبوت، آیه ۶۹). این موضوع، در تاریخ قیام ابا عبدالله الحسین (ع) در راه دین خدا و در مسیر احیای دین جدشان رسول الله (ص) ایثار جان و شهادت خود، فرزندان و یارانشان در راه خدا و نیز اسارت اهل بیت شان را پذیرفتند و فرمودند: «ان کان دین محمد لم یستقم، الا بقتلی، فیا سیوف خذینی» (محدثی، ۱۳۷۴: ۲۲۴).

#### ۲-۲-۳- شاخصه ی کمال بخشی

کمال بخشی نیز شاخصه دیگر ایثار شهادت است که به دو صورت متجلی می گردد. الف- کمال فردی: کمال فردی انسان در گرو انتخاب آزادانه و آگاهانه اوست. هر چه این انتخاب در شرایط دشوارتر و بحرانی تر و در موقعیت تنوع سرمایه ها و فرصت های بیشتر شکل بگیرد؛ به عبارتی انسان وجودی ذی قدرتری را تقدیم کند و درصد معرفت و شناختش نسبت به عمل و خلوص آن بالاتر باشد، به هر گونه با ارزش تری از کمال دست خواهد یافت. از جمله مصادیق کمال، آزاد خواهی، عدالت طلبی و عزت مندی است که در ایثار و شهادت و راه امام حسین (ع) به عنوان سرور و سالار شهیدان به روشنی متجلی است. او مرگ با عزت را بر زندگی ذلیلانه ترجیح می دهد و نه تنها خود آزاده و آزادی خواه بود بلکه دشمنان خویش را به آزادی خواهی فرا خواند. هر انسانی، در جدال بین مرگ و زندگی و در شرایط که انتخاب هر دو یکسان باشد، در راه هدفی مقدس و برای حفظ و صیانت از عقیده و باورهای دینی خود ایثار و شهادت طلبی را برگزیده، مرگ با عزت را بر اسارت و بندگی طاغوت ها ترجیح دهد، در این مجال، خدا خود خریدار اجناسی است که از مال و جان و... از سوی بندگان به او تقدیم می شود (فهیمی، ۱۳۸۷: ۵۵۶).

ب- کمال جامعه: روح ایثار وقتی در فرد تجلی پیدا کرد و او را به کمال رساند، چنان تاثیری از ناحیه منبع اصیل خود؛ یعنی ذات بی نهایت خداوند می یابد که بر جامعه پیرامون خود نیز تاثیر می گذارد از آنجایی که روح ایثار و شهادت دو

عنصر خصوصیت فطری انسان است، همه انسان ها و البته اهل ایمان که به ندای فطرت خویش پاسخ مثبت داده اند، به ایثارگران و شهادت طلبی آنها عشق می ورزند و آنها را به عنوان الگوهای برتر جامعه خود پذیرفته اند. ایثار و شهادت امام حسین (ع) چنان موجی از کمال طلبی، آزادی خواهی و عدالت جویی را در سراسر عالم پراکند که سبب شد غیر مسلمانان نیز از قیام او درس گیرند و آزادی خواهی خویش را مبتنی بر آزاد خواهی آن امام همام نمایند. هر انسانی که دارای روحیه ایثار و شهادت طلبی باشد، اعم از اینکه به کمال آن رسیده یا نرسیده باشد، بر جامعه پیرامونی خود تاثیر می گذارد. شهادت در راه خدا که بالاترین نوع ایثار است، کامل ترین تاثیر را در جهت کمال بخشی جامعه دارا است. خون هر شهید در پای درخت جامعه اسلامی می ریزد و آن را روز به روز تنومندتر و استوارتر کرده، شاخ و برگ آن را به سمت و سوی کمال و سعادت حقیقی جهت می بخشد. (همان)

#### ۲-۲-۴- شاخصه ی ارزش آفرینی

عالی ترین و مترقی ترین ارزشهای فردی و اجتماعی در پرتو ایمان و عمل خالص برای خدا تولید می شود. به تعبیری بهترین ملاک و معیار برای تشخیص ارزشها کار خالصانه برای خداست. از آنجایی که در یک جامعه دینی مفاهیمی چون ایثار و شهادت بالاترین ارزش محسوب شده، عالی ترین سطح از اخلاص را دارا هستند، از این رو، ایثارگران و شهیدان در تولید ارزشهای متعالی انسانی و الهی در وجود فرد و جامعه نقش بسزائی ایفا می کنند. مادامی که روح ایثار و شهادت در کالبد یک جامعه جریان دارد، آن جامعه زنده و پویا است و هیچ زمان، فرهنگ غیر الهی و ارزشهای غیر انسانی بر آن جامعه سایه نخواهد افکند و آن جامعه روی ذلت و خواری را نخواهد چشید، زیرا با این دو ارزش، حیات و جاودانگی و عزت ابدی یافته است. (همان)

#### ۲-۲-۵- شاخصه ی حماسه سازی

شاخصه دیگر ایثار و شهادت، تولید حماسه در سطح جامعه است. همان گونه که حماسه میوه ایثار و شهادت است و از عرفان و شناخت واقعی از هستی بخش عالم و مبدا و معاد حاصل می شود. عرفان خالص و حقیقی نیز بدون ایثار مال و جان، حاصل نخواهد شد. از این رو، وقتی حماسه در وجودانشان رسوخ کند، او را به حرکت در می آورد و از حالت سکون به پویایی و شکوفایی می رساند. وابستگی ها و دلبستگی های کاذب و دروغین را محو و اهداف و مطلوب های حقیقی را جایگزین می سازد. چنین حماسه ای، زیباترین صحنه های ایثار و شهادت را می آفریند و به عنوان الگویی تمام نشدنی بر جامعه خویش تاثیر می گذارد، زیرا انسان ها طالب پویایی و حرکتند و هر امری آنها را تازه تر کند، با جان و دل می پذیرند (جوادی آملی، ۱۳۷۵ : ۳۹).

روح حماسه در عالی ترین سطح آن در سیره عملی اهل بیت (ع) و بویژه در سرور و سالار شهیدان مشاهده می شود و این مطلب مورد پذیرش همگان است. در جریان عاشورای حسینی می بینیم با اینکه تمام قدرت های آن روز، علیه کاروان حسینی (ع) بسیج شدند، با این حال او و یارانش از همه خطرها استقبال نموده، تسلیم نشدند. این حماسه با ایثار جان و قبول شهادت

پایان نپذیرفت، بلکه امام حسین (ع) احساس کردند که خاندان گرامی اش نیز باید به اسارت بروند و آنها نیز چنین کردند. نه تنها خود او بلکه احدی از اهل بیت او به تایید و امضای حکومت جایزانه امویان راضی نشدند (همان: ۷۰).

## ۲-۲-۶- شاخصه‌ی بحران زدایی

از جمله مترقی‌ترین راهکارهای عملی اسلام در مسیر بحران زدایی از جامعه اسلامی، مساله ایثار و شهادت است که واجد یک مبنای تئوریک بسیار قوی و حساب شده، مبتنی بر عقل و وحی و کلام معصومان (ع) است. وقتی جامعه ای واجد روحیه متعالی ایثار و از خودگذشتگی باشد، در برابر هر نوع بحران و چالشی توان ایستادگی و مقابله دارد. در وضعیت بحران اقتصادی، جامعه ایمانی و دین مدار، با ایثار مال و ثروت خود و تقسیم آن برای بهره مندی همه اقشار جامعه در برابر بحران آفرینان مقابله کرده، شکست را پذیرا نخواهند شد. در مواقع تفرقه و تهاجم سیاسی، جامعه اسلامی با از خودگذشتگی عبور از خواسته‌ها و منافع سیاسی گروه خود و بر اساس وحدت کلمه اسلامی و وحدت ملی در برابر این بحران نیز مستحکم تر از پیش خواهد ایستاد. زمانی که دشمن از طریق تهاجم فرهنگی قصد تخریب بنیادهای فکری و ارزشی جامعه را دارد، جامعه اسلامی برای حفظ ارزشها و فرهنگ اصیل و غنی خود که برگرفته از دین اسلام است، از تمام تلاش و عزت و آبروی خود مایه می گذارد تا این تهاجم نیز خنثی گردد (فهیمی، ۱۳۸۷: ۵۶۱).

## ۳- فرهنگ ایثار و شهادت در مکتب تشیع

### ۳-۱- فرهنگ ایثار و شهادت از نظر ائمه اطهار (ع)

بی شک استناد سخنان پیامبر (ص) به خداوند و ارتباط او با سرچشمه فیاض معنویت و وحی، امانتداری و صداقت و ایثار و گفتار و سیره و سخنان ایشان درباره جانپازی و شهادت از محرم‌های اصلی رزمندگان اسلام و موجب ایجاد روحیه و انگیزه جهاد و شهادت در آنها بود. ایشان در حدیث مشهوری شهادت را در سلسله مراتب ارزشها به عنوان بالاترین نیکوکاری معرفی می کنند. در این حدیث از ایشان نقل شده است که فرمودند: «بالاتر از هر نیکوکاری، نیکوکاری دیگری است تا آنگاه که مرد در راه خدا شهید شود و همین که در راه خدا شهید شد، بالاتر از او نیست.» در این حدیث ایشان شهادت را بالاترین نیکوکاری در سلسله مراتب ارزشها معرفی می نمایند (بحارالانوار، ۱۳۹۲ ه.ق، ج ۲۰: ۱۰۰). در جایی دیگر ایشان «شهادت را شریف ترین نوع مردن» می داند. همان طوری که هر انسانی علاقه مند است بهترین زندگی را داشته باشد، در پایان زندگی هم می خواهد بهترین نوع مردن را داشته باشد. بنابراین معرفی شهادت به عنوان شریف ترین نوع مرگ بسیار با ارزش است. در جنگ احد، پیامبر خطاب به ابوسفیان فرمود: «کشته شدگان ما زنده اند و در نزد خداوند روزی می خورند و کشته شدگان شما در جهنم عذاب می بینند.» در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است که «هیچ قطره ای نزد خدا محبوب تر از قطره خون شهیدی که در راه خدا ریخته شود نیست.» (وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۱: ۸).

از دیدگاه امام علی (ع) شهادت نردبان تکامل انسان است و لذا آرزو داشت آخرین پله از نردبان تکامل را با شهادت طی کند. او درباره علاقه خود به شهادت می فرماید: «به خدا سوگند علاقه و انس فرزند ابوطالب به مرگ سرخ بیش از علاقه

كودك به پستان مادر است.» و یا در جایی دیگر می فرماید: «براستی با کرامت ترین مرگ کشته شدن در راه خدا (شهادت) است و قسم به کسی که جان فرزند ابوطالب در دست اوست اگر هزار ضربت به فرق من فرود آید که به این وضع کشته شوم بهتر است که در بستر با يك بیماری بمیرم.» (نهج البلاغه، ۱۳۶۷، خطبه ۱۲۵: ۳۷۲). امام علی (ع) شهادت را يك وسیله و شیوه ارزشمند برای رسیدن به اهداف و ارزشهای متعالی می دانست. او معتقد بود رها کردن جهاد و شهادت، باعث سرافکندگی و خواری جامعه معاصر و هم باعث خسارت برای نسل های آینده خواهد شد. لذا معتقد بود جهاد و شهادت «دریست از درهای بهشت که خداوند آن را به روی خواص و دوستان خود گشوده و لباس تقوی و پرهیزگاری است.

اهل تقوی را از شر مخالفین حفظ می کند و مانند لباس سرما و گرما را، ( و زره محکم حق تعالی و سپر قوی اوست برای نگهداری اهل تقوی از اسلحه دشمنان) پس هر که از آن دوری کرده و ترك کند خداوند لباس ذلت و خواری و ردای گرفتاری به او می پوشاند و بر اثر این حقارت و پستی، زبون و بیچاره می شود و چون خداوند رحمت خود را از او برداشت به بیخردی مبتلا می گردد.» (نهج البلاغه، ۱۳۶: خطبه ۲۷). در جایی دیگر درباره ترك جهاد و عدم آمادگی برای شهادت می فرماید: «خداوند لباس خواری و زبونی را در زندگی تنش خواهد کرد و از دایره دین بیرون خواهد رفت.» (وسایل الشیعه، بی تا: ۵).

از حضرت سیدالشهدا هنگامیکه به طرف کربلا می آمد جملات شهادت طلبانه زیادی نقل شده است. از جملات معروف او اینست که: «انی لاری الموت السعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما» من شهادت در راه خدا را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز ننگی ابدی نمی دانم. همچنین در اشعاری فرمودند: اگر این بدن های ما ساخته شده است که آخر کار بمیرد پس چرا در راه خدا با شمشیر قطعه قطعه نشود و یا در جای دیگر می نویسد: «آگاه باشید! به خدا سوگند من به هیچ يك از خواسته های اینها (بیزیدیان) جواب مثبت نخواهم داد تا در حالیکه به خون خویش خضاب شده و به ملاقات پروردگار خود بروم.» (سید بن طاووس، بی تا: ۴۲۳).

### ۳-۲- فرهنگ ایثار و شهادت در سیره ائمه اطهار

در طول ۲۳ سال از دوران رسالت پیامبر در صدر اسلام، بخاطر تعالیم قرآنی و توجه به ارزش ایثار و شهادت در راه آرمان های متعالی موارد فراوانی از فداکاری ها و از خودگذشتگی ها مشاهده شد که بی نظیر بود. پیامبر اسلام خود از نمونه های بارز فداکاری بود. در این راه او در مقابل تهدیدات دشمنان تسلیم نشد و از حقانیت رسالت خود دفاع کرد. بارها تا مرز شهادت پیش رفت اما هرگز دست از مقاومت و پایداری بر نداشت. استقامت و از جان گذشتگی ایشان در حدی بود که فرمودند: «اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند، تا از اهداف و رسالت خود دست بردارم، من تسلیم نخواهم شد.» این سخن ایشان به این معنی است که او در برابر تطمیع ها و تهدیدها تا پای جان بایستد. بسیاری از اصحاب و نزدیکان پیامبر و مجاهدین صدر اسلام در راه دفاع از دین و در مبارزه با بت پرستان و فتنه گران به درجه رفیع شهادت رسیدند. در تاریخ اسلام بویژه در جنگ های بدر، احد، مته، حنین، احزاب و... نمونه های فراوانی از

گذشت و ایثار و جانبازی بوسیله مجاهدانی چون جعفر طیار، حمزه سیدالشهدا، علی بن ابیطالب، زیدبن حارثه، عمار یاسر، ابوذر، مقداد و بسیاری از مجاهدان و شهیدان نقل شده است (شاعری، ۱۳۸۱: ۳۹).

امام علی (ع) همواره از پیشگامان عرصه جهاد و شهادت بود و همواره از خداوند تقاضای اجر و رتبه شهدا را می کرد. ماجرای استقبال امام علی (ع) از شهادت در ليله المبيت که برگزیدگان طوایف مکه برای کشتن پیامبر هجوم آورده او را به جای پیامبر در بستر دیده بودند و نیز قهرمانی های او در نبردهای صدر اسلام و نیز یاران او در جنگ های جمل، نهروان و صفین و بعد از آن زیانزد خاص و عام است. اگرچه در زمان خلافت و بعد از آن همچنان مظلوم بود اما یارانی داشت که تجلی عشق و فداکاری و از جان گذشتگی بودند (همان).

در زندگی حسین بن علی (ع) يك نقطه برجسته، مثل قله ای که همه دامنه ها را تحت الشعاع خود قرار می دهد، وجود دارد و آن عاشورا است. در زندگی امام حسین (ع)، آنقدر حوادث و مطالب و تاریخ و گفته ها و احادیث وجود دارد، که اگر حادثه کربلا هم نمی بود، زندگی آن بزرگوار مثل زندگی هر يك از ائمه دیگر، منبع حکم و آثار و روایات و احادیث بود. اما قضیه عاشورا آنقدر مهم است که شما از زندگی آن بزرگوار، کمتر فراز و نشانه دیگری را به خاطر می آورید. قضیه عاشورا هم آنقدر مهم است که درباره حسین بن علی (ع) چنین آمده است که «بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها و لما یطالبتیها» هنوز پا به این جهان نگذارده، آسمان و زمین بر حسین گریستند. قضیه اینقدر حائز اهمیت است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و یگان ویژه نیروی انتظامی به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۱). کسی که می خواهد به میدان جنگ برود، سرباز لازم دارد؛ اما امام حسین (ع) زنان و فرزندان خود را هم با خود آورده است. این به معنای آن است که اینجا باید حادثه ای اتفاق بیفتد که عواطف انسانها را در طول تاریخ همواره به خود متوجه کند؛ تا عظمت کار امام حسین (ع) معلوم شود. (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹). آن همه صفات بی نظیر و یگانه و فداکاری ها و از خود گذشتگی های استثنایی، علاوه بر چنین جاذبه ای، ماجرای عاشورای سیدالشهدا را تا ابد ماندگار کرده است.

### ۳-۳- عاشورای حسینی و فرهنگ ایثار و شهادت

حماسه عاشورا بزرگترین الگو و مکتب و طریقت در تکامل فرهنگ ایثار و شهادت طلبی است. تاثیر این قیام در سرنوشت اسلام و جنبه الگوگیری آن برای آزادگان جهان، مبین يك مکتب است. عاشورا فقط يك حادثه نبود که مربوط به زمان خود باشد بلکه يك راه و روش برای الهام و عبرت است که باید سرمشق مومنان باشد و البته تاریخ نشان داده است قیام عاشورا توانسته است چنین نقشی را ایفا کند. شهادت امام حسین (ع) حرارتی در قلب های مسلمین ایجاد کرد که تا قیامت خاموش شدنی نیست و کربلا نماد بارز شهادت طلبی و ایثار برای دفاع از اهداف متعالی آزادگان جهان است (شاعری، ۱۳۸۱: ۱۰۷).  
صحنه هایی که در نهضت حسینی بویژه در روزهای پایانی دهه ی اول محرم الحرام سال شصت يك هجری به وقوع پیوست مشحون از ایثار و فداکاری حسین (ع) و اصحاب آسمانی او بخصوص حضرت ابوالفضل العباس (ع) است. به عنوانی برخی از وقایع حاکی از وفاداری آنان اشاره می کنیم: رد امان نامه ای که برای حضرت ابوالفضل (ع) و برادران شان در عصر

تاسوعا آورده بودند؛ توسط آن ایثارگر و دلدادگان وصال دوست. سخنان حماسی یاران امام حسین (ع) پس از آنکه آن حضرت بیعت را از آنان برداشته و تقاضا نمودند که آنان از تاریکی شب استفاده کرده و به دیار خود بروند، بسیار جذاب و بیانگر روح حماسه و وفاداری آنان است (موسوعه، ۱۳۸۳: ۴۷۲). شب عاشورا حضرت ابوالفضل العباس (ع) برادران و عموزادگان خود را جمع کرده و هماهنگ نموده بود تا آنان فردا زودتر از اصحاب به نبرد رفته و به خون درغلطند، اما اصحاب وفادار نیز از این خیر عظیم عقب نبودند. آنان نیز به سرکردگی حیب بن مظاهر تصمیم گرفتند که مبادا یکی از آنان زنده بماند و شهادت بنی هاشم را ببینند! وقتی حسین بن علی (ع) و حیب بن مظاهر به بالین مسلم بن عوسجه آمدند و حیب از مسلم خواست تا وصیت کند، او با جمله کوتاه «اوصیک بهذا» حیب را به ادامه حمایت از حسین (ع) وصیت نمود، که حیب نیز قول مساعد داد (دیانی، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

وفاداری تک تک یاران حسین بن علی (ع) در مراجعه و اخذ اجازه برای رفتن به میدان و سردادن رجزهای حماسی و وفادارانه آنان، جان نثاری و عشق بازی وفادارانه عباس (ع) در اطاعت از فرمان برادر و تلاش برای آب رسانی به خیمه ها و ننوشیدن از آب فرات از سر نجابت و وفاداری و ادب که زبازد خاص و عام است و گویای رفعت شخصیت این مرد بزرگ و جاویدان است. در وفاداری آنان همین بس که حسین (ع) آنان را با وفاترین خواند: «فَأَنى لَأَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَ لَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِى وَ لَا أَهْلَ بَيْتِ آبِرٍ وَ لَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى فَجَزَاكُمُ اللهُ عَنى خَيْراً» «من از اصحاب خود باوفاتر و از اهل بیت خود بهتر و نیکوتر و پیوند خورنده ترمی شناسم، خداوند شما را جزای خیر دهد!» (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۸۴).

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: «در حادثه عاشورای امام حسین (ع) حتی کسانی مانند عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر که خودشان جزو خاندان بنی هاشم و از همین شجره طیبه اند، جرات نمی کنند در مکه یا مدینه بایستند، فریاد بزنند و به نام امام حسین (ع) شعار بدهند. چنین مبارزه ای، غریبانه است و مبارزه غریبانه، سخت ترین مبارزه هاست. همه با انسان، دشمن. همه از انسان، رویگردان. در مبارزه امام حسین (ع) حتی برخی از دوستان هم معرضند. چنان که به یکی از آنها فرمود: «بیا به من کمک کن.» و او به جای کمک، اسبش را برای حضرت فرستاد و گفت: «از اسب من استفاده کن!» غربت از این بالاتر و مبارزه از این غریبانه تر؟! آن وقت در این مبارزه غریبانه، عزیزترین عزیزانش در مقابل چشمش قربانی شوند. پسرانش، برادرزاده هایش، برادرانش و پسر عموهایش؛ این گلهای بنی هاشم، پریر شوند و در مقابلش روی زمین بریزند و حتی کودک شش ماهه اش هم کشته شود!» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم، ۷۸).

علاوه بر همه این مصیبت ها، حسین بن علی (ع) می داند به مجرد اینکه جان از جسم مطهرش خارج شود، عیالات بی پناه و بی دفاعش، مورد تهاجم قرار خواهند گرفت. می داند که گرگ های گرسنه، به دختران خردسال و جوانش حمله ور می شوند، دلهای آنها را می ترسانند؛ اموال آنها را غارت می کنند؛ آنها را به اسارت می گیرند و مورد اهانت قرار می دهند. می داند که به دختر والای امیرالمومنین (ع) زینب کبری که جزو شخصیت های بارز دنیای اسلام است، جسارت می کنند. بر همه اینها، تشنگی خود و اهل و عیالش را اضافه کنید: کودکان خردسال، تشنه، دختر بچه ها، تشنه. پیرها، تشنه. حتی

كودك شیرخوار، تشنه. می توانید تصور کرد که این مبارزه چقدر سخت است؟ انسانی چنان والا، پاك، مطهر و منور که ملائکه آسمان برای تماشای جلوه او بر یکدیگر سبقت می گیرند و آرزومند تماشای حسین بن علی (ع) هستند تا به او متبرک شوند؛ انسانی که انبیا و اولیا آرزوی مقام او را می کنند، در چنان مبارزه ای و با چنان شدت و محنتی به شهادت می رسد. شهادت چنین شخصیتی، حادثه ای شگرف است. کدام انسانی است که این حادثه را بشناسد و بفهمد و به آن دل بسته نشود؟ (همان).

قیام عاشورا فقط يك حادثه گذرا نبود بلکه می توان آن را از چشم اندازه‌های مختلف بررسی کرد. چشم انداز عرفانی به عاشورا شهادت طلبی سالار شهیدان را، مظهر عشق کامل و تسلیم محض در برابر خداوند و فناء الله می داند و لذا شهادت امام حسین (ع) و یارانش يك حادثه خونین و تراژدی غمبار نبود بلکه انتخاب بهترین و زیباترین نوع مردن عاشق در طریق وصل معشوق و تجلی بالاترین مرحله عشق یار، در راه دلدار بود. بنابراین امام حسین (ع) در پی آن بود که به بالاترین درجه تکاملی که خداوند برای او در نظر گرفته بود، دست یابد. چشم انداز احساسی، حادثه کربلا را کانون بروز احساسات و عواطف می داند. که البته در طول تاریخ از دو منظر به آن توجه شده است. الف) کربلا يك تراژدی غمبار و سوزناک بود که نشانه اوج شقاوت یزیدیان و ظالمان است و برای این حادثه فقط می توان اشک ریخت و عزاداری برای سالار شهیدان بخاطر رسیدن به ثواب و تبرک جستن برای آمرزش گناهان است. ب) در دیدگاه دوم اگر چه یادآوری شهادت و عزاداری سالار شهیدان دارای اجر و مزد و موجب شفاعت و ثواب است اما آنها فقط این کار را کافی نمی دانند بلکه از نظر آنها این عاطفه باید سرچشمه حرکت، اتحاد، جوش و خروش و نفرت علیه یزیدیان زمانه گردد (شاعری، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

چشم انداز حماسی به عاشورا آن را جلوه قهرمانانه و حماسی ترین حادثه تاریخ می داند که الگوی جانبازی و رشادت، عزت، شجاعت، صلابت و دلاوری در راه اهداف متعالی است. برخی از رجزهای حماسی امام (ع) و یارانش در روز عاشورا تجلی همین چشم انداز است. چشم انداز سیاسی، اجتماعی آن را الگوی مقابله با انحرافات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و الگوی اصلاح طلبی و یا اسوه مبارزه با ستمگری و فساد و نا مردمی و بی عدالتی و ایجاد نهضتها و انقلابات می داند. از نظر سالار شهیدان آنچه که باعث تقویت فرهنگ ایثار و شهادت می شود، اعتقاد واقعی به دین و عدم وابستگی به تعلقات دنیای فانی است چنانکه در مورد عده ای از مردم از روزگار خود فرمودند که آنها بندگان دنیایند و پشتیبانی آنها از دین تا آنجاست که منافع دنیوی آنها به خطر نیفتد و آنگاه که در معرض امتحان و آزمایش قرار گیرند، دینداران اندکی خواهند بود. تاثیر قیام و شهادت طلبی سالار شهیدان بر نهضتهای ضد استبدادی و ارتجاعی آنقدر زیاد بود که بسیاری از دلاور مردان و بزرگان روزگار چنین مردنی را آرزو می کردند (همان: ۱۱۱).

ب- نقش فرهنگ ایثار و شهادت در پیروزی انقلاب اسلامی

۱- نهضت امام حسین (ع) الگو و مبنای شکل گیری انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری عاشورا را موتور حرکت قرون اسلامی می دانند و در این خصوص می فرمایند: « ماجرای عاشورا حقیقتاً موتور حرکت قرون اسلامی در جهت تفکرات صحیح اسلامی بوده است. هر آزادی خواه و هر مجاهد فی سبیل الله و



هر کس که می خواسته است در میدان خطر وارد بشود، از آن ماجرا مایه گرفته و آن را پشتوانه روحی و معنوی خود قرار داده است (آیت الله خامنه ای، در دیدار با روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۰). ملت ایران، با محبت سرشاری که به اهل بیت (ع) داشت و دارد، ماجرای کربلا را به عنوان یک الگوی امتحان شده، سرمشق خود قرار داد و دانست که در برابر عظمت دشمن، نباید دچار تردید شد. مردم مسلمان ایران، به رهبری سلاله ای از نسل سیدالشهدا، راه حسین یعنی نترسیدن از خصم و تن دادن به مبارزه با دشمن مسلط را پیمود و با سربلندی و عظمت، در میان ملت‌های اسلام و جهان، نظام اسلامی را برپا کرد» (همان، در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، ۱۳۷۱).

مقام معظم رهبری روح نهضت و انقلاب اسلامی را در توجه به مساله عاشورا می دانند و در این خصوص می فرمایند: «روح نهضت و انقلاب اسلامی ایران، جهت گیری کلی و پشتوانه پیروزی آن، همین محبت خالصانه و بی دریغ به حضرت ابا عبدالله (ع) و توجه به معارف عاشورا بود شاید برای بعضیها، این مساله قدری ثقیل به نظر برسد، لیکن واقعیت همین است. هیچ فکری حتی در صورتی که ایمان عمیقی هم با آن همراه باشد، نمی توانست توده های عظیم میلیونی مردم را آنچنان حرکت بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می کردند، در انواع فداکاری ذره ای تردید نداشته باشند. اساسا مادامی که ایمان، با محبت و عشق عمیق و رنگ و بوی پیوند عاطفی همراه نباشد، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحرک، آن هم در حد بالا به ایمان کارایی می بخشد. بدون محبت نمی شد ما نهضت را به پیش ببریم» (همان، در دیدار با جامعه روحانیت مبارز، ۱۳۶۸).

هم چنین می فرمایند: «با گذشت سیزده، چهارده قرن، نام حسین بن علی (ع) پرچم عدالت و فضیلت های معنوی است و همین نام توانسته است این انقلاب را به وجود آورد. این انقلاب که از این حیث، شبیه نهضت نبی اکرم (ص) است، یعنی به موفقیت رسید و دلها و جانها و نیروها و انسان ها با آن همراهی کردند و امام را تنها نگذاشتند توانست پرچم شوکت و عزت را سرپا کند. این را از حسین بن علی (ع) الهام گرفت و مظهر تجدید حیات اسلام شد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با پاسداران به مناسبت تولد امام حسین (ع)، ۱۳۸۱). انقلاب اسلامی ره آورد نهضت حسینی است. عاشورا الهام بخش انقلابیون و نهضت های بیداری بوده است. رهبر و مردم ایران با بهره گیری از انقلاب عاشورا بر ضد طاغوت زمان قیام کردند. خطابه امام خمینی (ره) در ۱۵ خرداد آغاز این نهضت بود. راهپیمایی های تاسوعا و عاشورا در آخرین سال حکومت رژیم پهلوی ضربه نهایی را بر آن زد. به تعبیر امام امت: «اگر قیام حضرت سیدالشهدا (ع) نبود، امروز ما هم نمی توانستیم پیروز شویم.» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۶۰).

مقام معظم رهبری عاشورا را عامل فوق العاده موثر در پیروزی انقلاب اسلامی می دانند و در این خصوص می فرمایند: «اگر در جامعه ما، عشق به امام حسین (ع) و یاد او و ذکر مصایب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می رسید. این، عامل فوق العاده موثری در پیروزی نهضت بود و امام بزرگوار ما، در راه همان هدفی که حسین بن علی (ع) قیام کرده بودند، از این عامل حداکثر استفاده را کردند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه محرم، ۱۳۶۸).

قیام مردم مسلمان ایران در سالهای قبل از انقلاب اسلامی که فاقد هرگونه سلاح و قدرت نظامی بودند، در مقابل رژیم ستمکار و تا دندان مسلح پیشین، نیازمند توجیه فقهی و دینی بود. به این معنا که باید از درون دین و در رفتار پیشوایان دین و گفتار آنان مویدی برای انجام چنین قیامی وجود می داشت و گرنه مردم متدین و معتقد، در شرایطی که هر فریادی با گلوله خاموش می شد، با کدام توجیه شرعی می توانستند جان خود را سخاوتمندانه در طبق اخلاص بگذارند و دلاورانه به میدان بیایند و تا پای جان مبارزه نمایند؟ بی هیچ تردیدی، الگوی این مردم، قیام حضرت سیدالشهدا (ع) بود و رهبری نهضت هم با تاسی به آن بزرگوار، به خود حق می داد که در این وادی متبرک، اما پر خطر پای نهد (دیانی، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

امام خمینی (ره) در مناسبت های مختلف به الگوگیری نهضت اسلامی ایران از نهضت امام حسین (ع) تصریح و توصیه می نمودند. از نظر امام خمینی (ره): «بالاترین رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قضیه سیدالشهداست و ما موظف هستیم که این رمز را حفظ نماییم.» (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۶). ایشان حادثه جمعه خونین انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (۱۷ شهریور) را تکرار عاشورا نام می نهند (صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۷). از نظر امام (ره) مساله کربلا در راس مسایل سیاسی است و باید زنده بماند (همان، ج ۱۷، ص ۶۲). ایشان از فرصتهای مختلف، برای اعلام وابستگی این نهضت به نهضت حسینی استفاده می نمود. «ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتدا به بزرگمرد تاریخ، حضرت سید الشهدا (ع) است.» (همان: ۵۸).

## ۲- تولید کنندگان فرهنگ ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی

در تاریخ پر فراز و فرود انقلاب اسلامی افراد، اندیشه ها و اقشار مختلف مردم در تولید و معرفی فرهنگ ایثار و شهادت نقش ایفا کرده اند اما شاید نام همه آنها خواسته یا ناخواسته به نام سه تولید کننده اصلی گره خورده بود که عبارتند از امام خمینی، شهید مطهری و دکتر شریعتی. امام خمینی به عنوان مرکز و محور همه جریانات انقلاب اسلامی در جریان تولید فرهنگ ایثار و شهادت نقش اساسی و پایه گذار داشته و بقیه افراد بر این اساس به ساخت و تولید این فرهنگ پرداخته اند (غفاری، افضلیان، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

### ۲-۱- امام خمینی (ره)

بدون شک حضرت امام خمینی (ره) اصلی ترین شخصیت تولید کننده فرهنگ ایثار و شهادت است. تا قبل از تولید این فرهنگ از سوی ایشان، شهادت مربوط به عصر پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) بود و این دو مفاهیمی بودند که از دسترس عامه مردم خارج به شمار می آمدند. امام (ره) با ساختن فرهنگ ایثار و شهادت، این مفاهیم را امروزی کردند و در دسترس عموم قرار دادند. با تولید فرهنگ ایثار و شهادت از سوی ایشان، اکنون و در زمان حاضر، هرکس می توانست در راه خدا قیام کند و به فیض شهادت برسد و دیگر مفهوم شهادت مربوط به صدر اسلام نبود، بلکه در فرهنگ جدید دوباره بازسازی و باز تولید شده بود. در گفتن امام (ره)، شاه یزید زمان و انقلابیون اصحاب امام حسین (ع) محسوب می شدند و

همانگونه که یاران امام حسین (ع) در راه خدا ایثار کردند و به شهادت رسیدند، یاران انقلاب اسلامی نیز می توانستند در راه خدا از جان و مال خویش بگذرند و به مقام شهود خداوندی نائل آیند (غفاری، کشاورز، افضلیان، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

اولین توجه امام خمینی (ره) برای تقویت روحیه ایثار و شهادت این بود که شهادت مربوط به زمان خاصی از تاریخ و آرزوی شهادت فقط مربوط به مبارزان صدر اسلام نیست. ایشان با طرح شعار معروف خون بر شمشیر پیروز است فصل جدیدی را در ادبیات سیاسی و انقلابی گشودند و معتقد بودند هر کس که این شعار را واقعا بپذیرد روحیه ای پیدا می کند که از هیچ چیزی نمی هراسد و به استقبال شهادت می رود. از طرف دیگر عمل به تکلیف و فرع بودن نتیجه، در منظر امام ناشی از اعتقاد به احدی الحسینین بود. امام معتقد بود که پیروزی در انقلاب و دفاع مقدس و یا شهادت هر دو پیروزی است و این راز عدم هراس و رمز شهادت طلبی او و یارانش به شمار می آید. از دیدگاه امام شهادت طلبی دارای رمزی است که تا شناخته نشود نمی تواند عامل حرکت و پیروزی جنبش ها شود. «ملتها باید رمز را بفهمند که رمز پیروزی این است که شهادت را آرزو بکنند و برای حیات، حیات مادی، دنیای حیوانی ارزش قائل نباشند. این رمز است که ملت ها را می تواند پیش ببرد. این امری است که قرآن آورده است» (شاعری، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

چشم انداز دیگر امام خمینی (ره) به موضوع شهادت طلبی ابعاد اجتماعی، دیگر خواهی و جنبه عدالت جویی است. از این منظر توجه به سرنوشت و مصالح جامعه بسیار مهم است تا جایی که در صورت نیاز فرد باید برای صلاح و اصلاح خود را هم فدا کند. «باید فدای جامعه بشود هرچه بزرگ باشد. بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه معاوضه کرد این فرد باید فدا شود. سیدالشهدا برای همین آمد و رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد که فرد فدای جامعه بشود و جامعه باید اصلاح بشود با توجه به موقعیت خاص انقلابی جامعه، امام از جان گذشتگی و ایثار و گریز از نفع طلبی و عاقبت طلبی را لازمه يك انقلاب می داند. از نظر ایشان طبع يك انقلاب، فداکاری است، لازمه يك انقلاب، شهادت و مهیا بودن برای شهادت است. قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی و استمرار آن اجتناب ناپذیر است به ویژه انقلابی که برای خدا و نجات مستضعفان و قطع امید، جهانخواران و مستکبران است» (صحیفه نور، ج ۲۵: ۵۹).

## ۲-۲- شهید مطهری

اندیشه های استاد مطهری یکی از منابع مهم و معتبر و موثر در زمینه مسائل اسلامی به ویژه موضوع ایثار و شهادت است. شهید مطهری در راستای خط فکری امام خمینی به شرح و بسط فرهنگ ایثار و شهادت پرداخته و آن را پربرتر ساخته است. شهید مطهری با مبانی علمی و مذهبی خود به تفسیر و بازپرداخت مجدد و اصلاحی واقعه عاشورا پرداخته و فرهنگ ایثار و شهادت را با صبغه ی دینی جدیدی برای طلاب و روحانیون مطرح کردند ایشان با تفسیر های جدید در قیام عاشورا نگاه تازه ای را در فرهنگ ایثار و شهادت مطرح کردند (غفاری، افضلیان، ۱۳۸۹: ۳۱۸). از نظر وی در اسلام درجه شهید و مقام شهادت درباره کسی صدق می کند که اسلام با معیارهای خاص خودش او را شهید بشناسد یعنی واقعا در راه اهداف عالی اسلامی و به انگیزه های برقراری ارزشهای واقعی بشر کشته شود. از این منظر شهادت مرگی است که

انسان با توجه به خطرات احتمالی یا ظنی یا یقینی فقط به انگیزه های هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال نماید. بنابراین شهادت طلبی به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری و در راه هدفی مقدس است، باید از هرگونه انگیزه خود گرایانه مزه و مبرا باشد تا عملی قهرمانانه و تحسین انگیز و افتخار آمیز از نظر مکتب به شمار آید. از نظر او شهادت طلبی با تقدس و ارزشهای ما فوق مادی مرتبط است و نشانه تقدس يك چیز آن است که انسان آن را شایسته این بداند که زندگی فردی خودش را فدای آن کند (شاعری، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

شهید مطهری در شرح و بسط خود صرفاً به جنبه های فردی شهادت توجه نمی کند، بلکه ایشان بعنوان یکی از تولید کنندگان فرهنگ، می کوشد تا جنبه های اجتماعی شهادت و ارتباط شهید و جامعه را نیز بررسی کند. در واقع شهادت از نظر اجتماعی یعنی از آن نظر که به جامعه تعلق دارد پدیده ایست که در زمینه ی اجتماعی روی می دهد و جامعه از آن متأثر می گردد (مطهری، ۱۳۶۰: ۹۸-۱۰۰). شهدا مردم جامعه را از ظلمات گمراهی نجات داده و بر شاهراه روشن هدایت رسانده اند. خون شهدا عامل تحرک و زندگی در اجتماع است و از خودگی و خواب آلودگی اجتماع جلوگیری می کند. خون شهید بر زمین نمی ریزد خون شهید هر قطره اش تبدیل به صدها قطره بلکه به دریایی از خون می گردد و در پیکر اجتماع وارد می شود. شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع. این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ های اجتماع - خاصه اجتماعی که دچار کم خونی هستند، خون جدید وارد می کند (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۷-۸۸). به این ترتیب شهید مطهری در ادامه خط فکری امام (ره)، جنبه های اجتماعی و رها بخشی فرهنگ ایثار و شهادت را مطرح ساخته و شرح و بسط می دهد (غفاری هسجین و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

### ۲-۳- دکتر شریعتی

دکتر علی شریعتی از روشنفکران مذهبی معاصر است که به خاطر نوشته ها و تحلیل هایش درباره شهادت، عده ای او را معلم شهادت خوانده اند. دکتر شریعتی بر آن جنبه های رهایی بخش و بیدار ساز از فرهنگ ایثار و شهادت که از آن قیام و انقلاب بر می خاست و ایجاد انگیزه و حرکت می کرد، تاکید دارد. از نظر او شهادت حاصل يك جریان تاریخی است که از هابیل شروع شده و در طول تاریخ استمرار خواهد داشت و لذا انگیزه يك شهید حضور در صحنه حق و باطل در جریان حرکت تاریخی است. دکتر شریعتی شهادت را هنری می داند که به انگیزه خوب مردن در مکتب حیات صورت می گیرد لذا برای فهم شهادت و انگیزه آن باید مکتبی را که شهادت در آن مکتب معنی می دهد و شهادت در آن طرز فکر و عقیده قابل توجیه است، شناخت. از نظر او شهادت طلبی فقط يك پدیده سیاسی و نظامی که در ارتباط با قدرت و ارتش باشد نیست. او شهادت را یک حادثه نمی داند بلکه یک مسئله فلسفه وجودی می داند که یکی از ابعاد آن جنبه وجودی است. شهادت یک مکتب و ایدئولوژی است که به منظور تضمین سلامت حیات و حرکت و ایمان و عزت و آینده و تاریخ صورت می گیرد لذا شهادت یک هدف و حکم مستقل است (غفاری هسجین و همکاران ۱۳۸۹: ۱۷۶).

از نظر دکتر شریعتی شهادت آمیزه ای است از یک عشق گدازان و یک حکمت عمیق و پیچیده و این دو را با هم نمی توان بیان کرد. شهید کسی است که همه وجود خویش را یک جا در راه آن ایده آل مقدس نفی کند که سرچشمه تقدس است که

همه بدان معتقدیم و لذا او می خواهد با فدا کردن خود از یک انسان نسبی به یک انسان مطلق تبدیل شود و در ذهن و رفتار افراد دیگر، قداست مطلق یابد. بنابراین شهادت نشان دادن عالی ترین درجه اخلاص است. در واقع انسان ها در این مرحله به جای آنکه اموال و اندیشه های خود را به خلق انفاق کنند جانشان را انفاق می کنند. شهادت طلبی، انتخایی آگاهانه است که یک مجاهد با قربانی کردن خویش در آستانه معبد آزادی و محراب عشق پیروز می شود (شریعتی، ۱۳۶۱: ۱۲۶)

از نظر دکتر شریعتی شیوه مبارزاتی امام حسین (ع) و انگیزه شهادت طلبی او را زمانی خواهیم فهمید که شرایط زمانی و مکانی آن را درک نماییم. زمانی که سنت ها زایل و بدعت ها آشکار و جاهلیت عربی دوباره جلوگر و یاران اندک شده اند. بنابراین امام حسین (ع) خود را مسئول حفظ و احیاء سنت های حسنه و جلوگیری از بدعت ها می داند. در حالی که توانایی پیروز شدن در ظاهر را ندارد لذا او با شهادت طلبی در پی اعلان مظلومیت و رسوا شدن دشمنان است و لذا شهادت دعوتی است به همه ی عصرها و همه نسل ها که اگر می توانی بمیران و اگر نمی توانی بمیر. (غفاری هاشجین، افضلیان سلامی، ۱۳۹۰:

۳۳)

### ۳- تقارن روزهای پر حادثه انقلاب با مناسبت های عاشورایی

از دیدگاه مقام معظم رهبری روز های پر اوج و فرازهای تعیین کننده در انقلاب اسلامی ایران در ماه محرم و با ایام مربوط به قیام حضرت سیدالشهدا (ع) رخ داده است، مانند قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ که در دوازدهم محرم واقع شد. در این روز امام خمینی (ره) در عرصه عاشورایی و با بهره برداری به بهترین شکل ممکن از ماجرای عاشورا و محرم، توانستند پیام حق و داد برآمده از دل خود را به گوش مردم برسانند و مردم را متحول کنند. اولین شهدا در ماجرای ۱۵ خرداد، در تهران، ورامین و بعضی جاهای دیگر، همین سینه زهای حسینی بودند که در معرض تهاجم دشمن عاشورا قرار گرفتند (بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار با روحانیون در آستانه محرم، ۱۳۷۴). هم چنین روزهای محرم در سال ۱۳۵۷ و نیز اربعین حسینی در همین سال، در تاریخ نهضت اسلامی ایران ایامی ماندگار و تاریخ ساز به شمار می روند. به همین خاطر است که امام خمینی (ره) می فرماید: «محرم چه ماه پر غایله ای و چه ماه خونی و چه ماه حماسه سازی! ماهی که دستگاه شاهنشاهی بنی امیه را در هم کوبید. ماهی که رژیم ۲۵۰۰ ساله ی جنایتکاران را در هم پیچید.» (صحیفه نور، ج ۷: ۵۰).

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: «امام خمینی با آگاهی کامل از وجود شور حسینی در عمق عقل و روح مردم مسلمان ایران، نهضت را دو فصل به مساله عاشورا گره زد. فصل اول، همان فصل آغازین نهضت و روزهای محرم سال ۱۳۴۲ بود که حسینیه ها، مجالس ذکر مصیبت و هیات سینه زنی تربیون، بیان مسایل نهضت شد و مراثی و نوحه های مداحان و ذکر مصیبت گویندگان مذهبی، حمل پیام و محتوای انقلاب گردید. فصل دوم، فصل آخر نهضت یعنی محرم سال ۵۷ بود که مرحوم امام اعلام کرد: «ماه محرم گرامی و بزرگ داشته شود و مردم مجالس بر پا کنند.» ایشان عنوان این ماه را ماه خون بر شمشیر قرار دادند و دوباره همان طوفان عظیم عمومی و مردمی را به وجود آوردند.» (آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز، ۱۳۶۸). بدین ترتیب ماجرای نهضت اسلامی مردم ایران که روح و جھتی حسینی داشت، با ماجرای ذکر مصیبت عاشورا و یاد امام حسین (ع) گره خورد. اگر در جامعه ما، عشق به امام حسین (ع) و ذکر مصایب و

حوادث عاشورا معمول نبود، معلوم نبود که نهضت در این فاصله زمانی و با این کیفیت، به پیروزی برسد. یاد ابا عبدالله، عامل فوق العاده موثری در پیروزی نهضت بود که امام بزرگوار، در پی گیری همان هدف حسین بن علی (ع) از آن، بهره برداری کردند (مخبری، ۱۳۸۴: ۹۵).

#### ۴- بهره گیری از مفاهیم و مضامین عاشورایی در شعارهای انقلاب اسلامی

یکی از راه های شناخت ماهوی يك انقلاب و نهضت، تحلیل محتوای شعارها، موضوعات و مفاهیمی است که در آن به کار رفته است. ملت خوش ذوق و ادب ایران در طول شکل گیری انقلاب اسلامی با مطرح نمودن شعارهای مناسب در مناسبت های مختلف، اهداف، راهبردها، ارزش ها و مواضع خود را اعلام می نمایند. با مروری بر آن شعارها، جایگاه مهم امام حسین (ع)، عاشورا، کربلا، محرم، اصحاب امام حسین (ع) و دیگر مفاهیم مرتبط با آن را می توان دریافت، که با تحلیل دقیق و جامع می توان به میزان تاثیر و وابستگی نهضت اسلامی ایران به نهضت حسینی دست یافت. شعارهایی مانند «نهضت ما حسینی است رهبر ما خمینی است»، «حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست»، «این نهضت حسینی، تماشایی نمی خواهد» (دیانی، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

مصادیق فوق هر کدام به نوعی بیانگر ارتباط وثیق میان نهضت اسلامی ایران و قیام امام حسین (ع) است. دکتر محمد حسین پناهی، در تحقیق خود نشان داد که از میان حدود ۴۰۰۰ شعار انقلاب اسلامی، ۳۹۵ مورد حاوی ۷۰۰ مضمون مربوط به شهادت و ایثارگری است، که از آن میان ۶۱ مورد در این موضوعات مطرح شده است: تعظیم و تکریم ماه محرم ماه خون و شهادت، حسینی بودن راه شهیدان و ضرورت ادامه ی آن، حسینی بودن نهضت اسلامی ایران، مضامین عاشورا، کربلا و سایر مضامین مربوط به آن (همان: ۲۱۳).

بنابراین مضمون حدود ۹ درصد از این شعارها (۳۹۵ شعار حاوی مضامین شهادت و ایثارگری) به عاشورا، امام حسین (ع) و ارتباط انقلاب اسلامی با آن مربوط است. ایشان در تحلیلی که مربوط به همین مضامین است، آورده اند که بین انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع) که در فرهنگ شیعی ایران همیشه زنده بوده است، ارتباط نزدیک و همگونی برقرار شده و بدین سان هم انقلاب و رهبری آن مشروعیت پیدا کرده، هم انقلاب اسلامی برای مردم معنا و مفهوم ملموسی یافته و هم احساسات غنی مردم در جهت عشق به شهادت و ایثارگری برای انقلاب استفاده شده است. البته به نظر نگارنده، همه ی ۳۹۵ شعاری که در تحقیق مورد توجه قرار گرفته است با مضامین ۷۰۰ گانه ی خود، گویای ارتباط میان انقلاب اسلامی و نهضت حسینی است؛ چرا که معمولا مفهوم شهادت و ظلم ستیزی را ملت ما از امام حسین (ع) و شهدای کربلا به یاد دارد و از آنان آموخته است (همان).

یکی از ابتکارهای امام خمینی (ره) در جریان انقلاب اسلامی، تزریق محتوای سیاسی به نوحه ها و شعارهای سنتی بود. وی در یکی از مجالس با شنیدن نوحه های سنتی به این نوع عزاداری اعتراض کرد و از سخنرانان و روضه خوانان خواست که ضمن عزاداری، به مسائل روز نیز پردازند. در نتیجه، شعارها و نوحه های قدیمی، به تدریج جای خود را به شعارهای جدیدی مانند: گمگشته کربلا، فیضیه قتلگاه، خون جگر علما، شد موسم یاری مولانا خمینی داد (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

## ۵- نقش مجالس و مراسم حسینی به عنوان رسانه فراگیر انقلاب اسلامی

مجالس محرم و سوگواری امام حسین (ع) در کشور ما از دیر باز با جدیت تمام و در همه ی شهرها، روستاها و آبادی ها، لااقل در دهه ی اول محرم الحرام و روزهای مربوط به اربعین حسینی و در بسیاری از مناطق در طول دو ماه محرم الحرام و صفر انجام می شود. حضور روحانیون برای ارائه ی سخنرانی و ذکر و مصیبت سالار شهیدان، جزء لاینفک این برنامه ها بوده است. در روزهای تاریک ستم شاهی و مظلومیت حوزه های علمیه و مراکز دینی و فقدان رسانه برای بیان مسایل و جریان های مذهبی، این مجالس که در مساجد و تکایای کشور برگزار می شد، خود به خود به رسانه فراگیر، قدرتمند و پر مخاطب برای انقلاب اسلامی بدل شده بود (دیانی، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

نسل انقلاب هرگز فراموش نمی کند که بسیاری از اطلاع رسانی ها، نشر اعلامیه های امام (ره)، آشنا شدن نیروهای انقلابی با هم در همین مراسم و محافل حسینی انجام شد. روحانیون و خطبای انقلابی نیز برای انجام وظیفه ی مقدس خود از این فرصت استثنائی و پر برکت استفاده نموده و تازه ترین مطالب و اخبار در خصوص مواضع امام خمینی (ره) و مظلومیت علمای در بند رژیم و شکنجه ی مبارزان نستوه را به اطلاع مردم می رسانند. به این طریق رفته رفته، قطره های ملت به هم پیوست تا دریای خروشان شد و رژیم ستم پیشه را در امواج متلاطم خود در هم کوبید. بنابراین می توان گفت برنامه های مربوط به امام حسین (ع) شبکه ای گسترده و تشکیلاتی را برای نشر اخبار، اهداف و امواج انقلاب اسلامی فراهم آورده بود (همان).

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: «امام خمینی (ره) جهت گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت گیری عاطفی در قضیه عاشورا پیوند و گره زدند و روضه خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زاید و تجملاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ی ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار چه به صورت روضه خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون باید به شکل رایج و معمول و گریه آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دله، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی تر هم بشود. ایشان بارها بر این مطلب تاکید می کردند و عملاً هم خودشان وارد می شدند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه محرم، ۱۳۶۸).

هم چنین می فرماید: «امام بزرگوار ما، محرم را به عنوان ماهی که در آن، خون بر شمشیر پیروز می شود، مطرح نمود و به برکت محرم، با همین تحلیل و منطق، خون را بر شمشیر پیروز کرد. این، یک نمونه از جلوه های نعمت ماه محرم و مجالس ذکر و یاد امام حسین (ع) است که شما دیدید. لذا هم مردم و هم روحانیون، باید از این نعمت استفاده کنند. استفاده مردم این است که به مجالس عزاداری سیدالشهدا (ع) دل ببندند و این مجالس را در سطوح مختلف هر چه می توانند بیشتر اقامه کنند. مردم باید مخلصانه و برای استفاده، در مجالس عزاداری حسینی شرکت کنند؛ نه برای وقت گذراندن یا به صورت عامیانه ای، فقط به عنوان ثواب اخروی که نمی دانند هم، این ثواب اخروی از کجا می آید؟ مسلماً شرکت در مجالس مذکور، ثواب اخروی دارد؛ اما ثواب اخروی مجالس عزا، از چه ناحیه و به چه جهت است؟ مسلماً مربوط به جهتی است که اگر آن جهت نباشد،

ثواب هم نیست. همه باید در این مجالس شرکت کنند، قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنند و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هر چه محکم تر میان خودشان و حسین بن علی (ع)، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند. این از وظایفی که در این خصوص مربوط به مردم است.» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیان کهکیلویه و بویر احمد در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۳).

### نتیجه گیری

این مقاله درصدد بررسی جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ سیاسی تشیع با تاکید بر نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی بود در این راستا دو سوال اصلی مطرح گردید سوال نخست مربوط به جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ سیاسی تشیع بود که طی بررسی های انجام شده مشخص شد که مفهوم فرهنگ ایثار و شهادت برای همه مسلمانان دارای ارزش است اما این ارزش در فرهنگ سیاسی تشیع اهمیت و منزلت خاصی کسب کرده است. این عنصر یکی از بهترین و حیات بخش ترین سرمایه هایی است که در تاریخ تشیع وجود دارد و با سرنوشت تاریخی آن پیوند یافته است. این فرهنگ در قرآن و اسلام دارای اعتبار و ارج است اما این اعتبار در فرهنگ شیعه زمانی جایگاه ویژه به خود می گیرد که با واقعه ی عاشورا پیوند یابد.

پرسش اساسی دیگر این مقاله عبارت بود از نقش فرهنگ ایثار و شهادت در پیروزی انقلاب اسلامی که در این راستا به نهضت امام حسین (ع) به عنوان الگو و مبنای شکل گیری انقلاب اسلامی، تقارن روزهای پرحادثه انقلاب با مناسبت های عاشورایی مانند قیام پانزده خرداد و حضور مفاهیم و مضامین عاشورا در شعارهای انقلاب که بالغ بر ۳۹۵ مورد بود و هم چنین نقش مجالس حسینی به عنوان رسانه ی فراگیر انقلاب اسلامی اشاره گردید و مشخص شد که فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان یکی از مولفه های فرهنگ سیاسی تشیع در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشته است. رهبر انقلاب اسلامی با الگوگیری از نهضت حسینی و حادثه عاشورا و پیوند این نهضت به نهضت حسینی توانست روحیه ی ایثار و شهادت را در میان اقشار مردم جامعه احیا کند، در نتیجه ملت مسلمان برای از بین بردن حکومت جور از هیچ تلاشی کوتاهی نکرده و حاضر شد جان و مال خود و فرزندانشان را جهت پیروزی این نهضت حسینی به خطر بیندازند.



## منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- ابوطالبي، مهدي. (۱۳۹۰). «نقش فرهنگ سياسي شيعه در انقلاب اسلامي». ماهنامه معرفت. شماره ۹۸

- اجلاي، پرويز. (۱۳۷۹). سياست گذاري و برنامه ريزي فرهنگي در ايران. تهران: انتشارات آن.

- بابازاده، پرويز. (۱۳۷۹). «مقاله سر دبير». فصلنامه شهود. شماره ۱.

- بستاني، فواد افرام. (۱۳۷۲). فرهنگ جديد عربي - فارسي. ترجمه منجد الطلاب، محمد بندر ريگي. تهران: انتشارات اسلامي.

- بهشتي، ابوالفضل. (۱۳۸۲). فلسفه و عوامل جاودانگي نهضت عاشورا. قم: بوستان كتاب.

- جوادي آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). عرفان و فلسفه. نشر رجا.

- جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۷). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- حسینی، حسین. (۱۳۸۱). رهبری و انقلاب. تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح الله (امام). (۱۳۷۰). صحیفه نور. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خامنه ای، علی (آیت الله). (۱۳۸۵). نسیم مبارک عاشورا. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دیانی، محمود. (۱۳۸۸). نگاهی به فرهنگ شهادت. تهران: نشر شاهد.
- دلاور، ابوزر. (۱۳۸۶). «فرهنگ سیاسی شیعه و خلیفات ما ایرانیان». خبرنامه آفتاب.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲). لغت نامه. جلد پنجم. دانشگاه شاهد.
- سید بن طاووس. (بی تا). لهوف. ترجمه سید احمد فهری. انتشارات جهان.
- شاعری، محمدحسین. (۱۳۸۱). جامعه شناسی شهادت طلبی و انگیزه های شهادت. تهران: نشر شاهد.
- شریعتی، علی. (۱۳۶۱). حسین وارث آدم و بحثی راجع به شهید. چاپ چهارم. تهران: انتشارات قم.
- عمید، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی عمید. چاپ سی ام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عنایت، حمید. (۱۳۶۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- عنایت، حمید. (۱۳۷۴). «انقلاب ایران ایدئولوژی شیعه و نقش آن در پیروزی انقلاب». ترجمه مینا منتظر لطف. ماهنامه فرهنگ توسعه. شماره ۴.
- عاملی، حر (شیخ). (۱۴۰۹). وسایل الشیعه. قم: موسسه آل بیت.
- غفاری هاشجین، زاهد. خاکزاد، ملیحه. (۱۳۸۷). «بررسی و تبیین عوامل موثر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در میان دانشجویان دانشگاه شاهد». در مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. اصفهان: دانشگاه اصفهان. اسفند ماه ۱۳۸۷.
- غفاری هاشجین، زاهد. کشاورز شکری، عباس. افضلیان سلامی، موسی. (۱۳۸۹). «مؤلفه های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۲۳.
- غفاری هاشجین، زاهد. افضلیان سلامی، موسی. (۱۳۸۹). «تولید کنندگان گفتمان ایثار و شهادت در فرایند انقلاب اسلامی». مجموعه مقالات اولین همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت و توسعه کشور. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- غفاری هاشجین، زاهد. افضلیان سلامی، موسی. (۱۳۹۰). گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه شاهد.
- فهیمی، محمد صادق. (۱۳۸۷). «فرهنگ ایثار و شهادت و شاخص های آن». مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- فیرحی، داوود. (۱۳۷۵). «فرهنگ سیاسی در گفتگو با پژوهشگران حوزه و دانشگاه». فصلنامه نقد و نظر. سال دوم. شماره ۳، ۴.
- قهرمانی، محمد. (۱۳۸۸). «جهانی شدن، فرهنگ و برنامه ریزی آموزشی». ماهنامه مهندسی فرهنگی. سال چهارم. شماره ۳۳، ۳۴.
- مخبری، احمد. (۱۳۸۴). خورشید شهادت. تحلیل نهضت ابا عبدالله در کلام رهبر انقلاب. قم: تسنیم اندیشه.
- محدثی، جواد. (۱۳۷۴). فرهنگ عاشورا. قم: نشر معروف.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). پیروان انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- مسجد جامعی، محمد. (۱۳۶۹). زمینه تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن. تهران: انتشارات الهدی.
- مطهری، مرتضی. (بی تا). «اجتهاد در اسلام». منتشر شده در کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت. تألیف جمعی از نویسندگان. تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). حماسه حسینی. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). قیام و انقلاب مهدی. تهران: انتشارات صدرا.
- مجلسی، ملا محمد باقر (علامه). (۱۳۹۲ ه.ق). بحارالانوار. تحقیق محمد باقر بهبودی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدی پور، محمود. (۱۳۹۰). «ظلم ستیزی در نگاه علوی». ماهنامه مبلغان. شماره ۱۴۱.
- محمودی، ایوب. (۱۳۸۷). «بررسی نقش تربیتی فرهنگ شهادت طلبی». در مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. اصفهان: دانشگاه اصفهان. اسفند ماه ۱۳۸۷.
- هنری لطیف پور، یدالله. (۱۳۸۰). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- منابع عربی
- حلی، ابن فهد. (۱۴۰۷ ه.ق). عده الداعی و نجاه الساعی. قم: دارالکتب الاسلامی. چاپ اول
- گروه حدیث پژوهشکده ی باقرالعلوم (ع). (۱۳۸۳). موسوعه کلمات الحسین (ع). قم: انتشارات اسوه.